

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبا هنگ راد
۰۷ دسمبر ۲۰۱۳

دانشگاه‌ها و جنبش دانشجویی

به مناسبت شانزده آذر

سنتاً جنبش دانشجویی، جنبش تقابلی – اعتراضی است؛ جنبش روشن‌گری و جنبش تبلیغ و ترویج ایده‌ها و آرمان‌های انقلابی – کمونیستی است؛ جنبش تقابلی است و علی‌رغم پس‌روئی‌ها و عقب‌گردها، حامل پیش‌روئی‌ها و دست‌آوردهاست. پیشاپیش وظایف این جنبش نوشته شده و کمترین قربابت و هم‌سوئی با طبقات بالا و مدافعان رنگارنگ آن‌ها ندارد. با این تفصیل با درس‌گیری و با آموخته‌های به‌جاست که می‌توان، نارسائی‌ها و ناکامی‌ها را کنار زد و بر خلاقیت، و همچنین بر شفافیت جنبش دانشجویی افزود.

پُر واضح است که شاخصه‌های هر جنبش پیش‌رونده‌ای را می‌بایست و باید در برنامه‌ها و شعارهای آن جست و جو نمود. در این زمینه فراوان‌اند روزها و جوشش‌های رادیکال؛ بسیار و بسیاران‌اند جان‌فشان‌ها و باز هم از یاد نرفتگی و ابدی‌اند، روزهایی که ورق تازه‌ای در تاریخچه مبارزات ضد امپریالیستی جامعه مان گشودند؛ جوانان و جنبش‌هایی که مولد روزهای تاریخی و سرنوشت‌سازان و راه را نشان دادند، بدون این‌که ترس و واهمه‌ای به دل راه دهند؛ به پیش رفتند و سرمایه را با مشکلات جدی‌تری مواجه ساختند، بدون این‌که از مرگ هراسی داشته باشند. برآستی که یکی از این روزهای سرنوشت‌ساز، به شانزده آذر [قوس] سی و دو بر می‌گردد. روزی که دیکتاتور زمانه و چند ماه بعد از کودتای امپریالیستی مرداد [اسد] سی و دو، صفحه دیگری بر تاریخ خون‌بار خود اضافه نمود و توانست به یمن ارگان‌های مسلح و حافظ بقای سلطه امپریالیستی، دانشگاه را به خاک و خون کشاند.

آری، شانزده آذر سی و دو بود و دانشجویان، این‌بار و علی‌رغم فضای تنگ و بسته بعد از کودتا، آرامش دلخواه رژیم شاهنشاهی را در هم ریختند و به میدان آمدند و به حمایت از جنبش‌های اعتراضی، بر خواسته‌های لگدمال شده میلیون‌ها انسان رنج‌دیده و دانشجویان پای فشرده. رژیم پهلوی هم به سیاق همه نظام‌های سرکوبگر و بنابه وظایف دیکته شده‌اش، فرمان آتش به دانشجویان معترض را صادر نمود و سنگ‌فرش دانشگاه تهران را با خون مخالفان و مبارزان شست. سه کشته و ده‌ها مجروح و ده‌ها دستگیری، ارمان رژیم بعد از کودتای امپریالیستی در درون دانشگاه بود.

در حقیقت هزاران صفحه سفید در وصف این روز، سیاه شده است. شعرها سروده شد و صداها متینگ و مراسم به یاد سه جان‌باخته شانزده آذر سی و دو، یعنی مصطفی بزرگ‌نیا، احمد قندچی و مهدی شریعت‌رضوی برگزار شد و اما و همچنان - و من‌حیث‌المجموع -، جنبش دانشجویی و به ویژه در سه دهه اخیر، از راه و از افق صحیح، و از راه و از افق شانزده آذر سی و دو باز مانده است؛ شانزده آذری که راهی دگر و اهدافی به‌مراتب متفاوت‌تر از اهداف اصلاح‌طلبان و دگراندیشان بی‌مایه انتخاب نمود. به هر حال شانزده آذر سی و دو، سر مشق جنبش دانشجویی و از تبار

دیگریست و تاریخ و ثمره مختص به خود را دارد؛ تاریخ و ثمره‌ای که نه قابل تحریف است و نه قابل تصرف این جناح و آن جناح حکومتی- دولتی و دیگر وابستگان به سرمایه؛ تاریخی که با "پادگانی نمودن دانشگاه‌ها"ی ایران مخالف بود و ایستاد و مقاومت کرد و لت و پار شد و خون داد.

رژیم جمهوری اسلامی هم در این مدت تلاش بس زیادی نموده است تا از این روز بهره‌برداری‌های سیاسی خود را بنماید. تاریخ‌نویسان خود را به میدان فرستاد و توسط انجمن‌های دست‌ساز در درون دانشگاه‌ها به استقبال این روز رفت تا ماهیت جنبش تقابلی - دموکراتیک و ضد سرمایه‌داری آن را تخریب نماید؛ اما بعضاً دانشجویان و علی‌رغم حکمیت ایده‌های بغایت انحرافی در درون دانشگاه‌ها و همچنین به دلیل درک و شناخت از تعلق شانزده به طبقات فرو دست - از همان آغاز، حاکمان جدید را به مصاف طلبیدند و بر حقوق اولیه خود و قربانیان نظام امپریالیستی پای فشردند. بر مبنای چنین افق و نگاهی در میان بعضاً دانشجویان - بوده و - است که طبقه حاکمه و وابسته ایران، از چنین روزی دل خوشی ندارد و در صدد کنترل و سرکوب کامل آن می‌باشد. چرا که پی برده است خمیر مایه آن، بر گرفته از رادیکالیسم، بر گرفته از ایستادگی و جانفشانی دانشجویان مبارز و کمونیست در مقابل طبقه انگل‌صفت و زورگو است. با علم به چنین وضعیتیست که رژیم جمهوری اسلامی - و بهمانند رژیم گذشته - و از همان ابتداء و به بهانه‌های متفاوت، به دانشگاه‌ها یورش آورد و دانشجویان مخالف، مبارز و کمونیست را دستگیر، شکنجه و اعدام نمود تا مبادا روز و روزگاری، دانشگاه‌ها همان راه و متدی را بر گزیند که دانشجویان شانزده آذر سردمدار آن بودند.

شکی در آن نیست که تفاسیر و تعبیر، پیرامون جنبش دانشجویی سه دهه اخیر، یکی و سر راست نیست و گونه‌گونه می‌باشد؛ شکی در آن نیست که در درون جنبش دانشجویی و به مانند دیگر جنبش‌های اعتراضی - دموکراتیک که محل تلاقی تناقض‌های طبقاتیست، ایده‌های گونه‌گونه وجود دارد؛ تناقض‌هایی که در دوره‌ای معین و به دهه‌ها دلیل، این جنبش را به مسیر ناصحیح و به مسیر افکار عناصر، نهادها و ارگان‌های وابسته به حکومت سوق داده است و پویایی و بالندگی این جنبش را گرفت؛ همچنین شکی در آن نیست که به دلیل ناهوشیاری دانشجویان، جمهوری اسلامی و آن‌هم با حربه‌های گوناگون به درون دانشگاه‌ها رخنه نموده است و به کشف و به شناسایی دانشجویان مبارز و کمونیست پرداخت و پرچم سازمان سراسر جهل خود را در درون دانشگاه‌ها بر افراشت.

باری اگر، شانزده آذر سی و دو را می‌توان به‌عنوان یکی از جنبش‌های پر ثمر به حساب آورد و پذیرفت که در این روز صدها دانشجو، علی‌رغم حمل گرایشات متفاوت، در صفی واحد و یک‌صدا در مقابل سیاست‌های سرکوب‌گرایانه رژیم پهلوی به میدان آمدند و اعلام نمودند که "دانشگاه پادگان نیست"؛ اگر شانزده آذر سی و دو را می‌توان به عنوان یکی از روزهای حساس و تاریخ‌ساز جنبش دانشجویی نوشت و بر این موضوع اصرار داشت که باطناً و سنتاً، دانشگاه‌ها در تخالف با سیاست‌های ارتجاعی طبقات حاکم می‌باشد؛ اما و به موازات آن‌ها می‌توان اذعان نمود که سهم جنبش دانشجویی در این مدت و آن‌هم به‌عنوان جنبش نشر آگاهی، جنبش روشن‌فکری و جنبش توضیح ناملایمات و نابسامانی‌های سیاسی - اجتماعی درون جامعه، بسیار و بسیار محدودتر و بی‌ثمرتر از دیگر جنبش‌های اعتراضی بود و از سیاست روشن و هدف‌مندی پیروی ننموده است.

به گمانی علل این موضوع در حله نخست به فقدان سازمان رزمنده و کمونیستی در درون جامعه بر می‌گردد، و در ثانی به بی افقی جنبش دانشجویی و آن‌هم به‌عنوان جنبش تشخیص و شناخت سیاست‌ها و تاکتیک‌های رژیم جمهوری اسلامی، چه در درون دانشگاه‌ها و چه در درون جامعه مربوط می‌شود. همچنین تأکید بر این موضوع به نابجا نیست که جنبش دانشجویی علی‌رغم خاستگاه کمونیستی‌اش، جنبش سازمانی و جنبش تغییر بنیادی نظام سراسر سرکوب و غارت‌گر نیست. بلکه جنبشیست که منفعت و ثمربخشی آن با تحرک سازمان‌یافته کمونیستی درون جامعه گره خورده است و طبعاً و بدون حضور و وجود عملی، و روزانه مدافعان حقیقی کارگران و زحمت‌کشان در درون جامعه، در

چنبره‌ه‌ ایده‌های انحرافی و ناسالم گیر خواهد کرد و به مانند دیگر جنبش‌های دمکراتیک به اهداف پایه‌ئی خود دست نخواهد یافت. با این اوصاف و با علم به چنین شرایطی، بر هر عنصر دانشجوی آگاه و مبارز در درون دانشگاه‌هاست تا خلاف یاهو گوئی‌های این و آن -، مبنی بر این‌که جنبش دانشجویی، جنبش تحول‌ساز و جنبش هدایت‌گر می‌باشد -، موقعیت و جایگاه حقیقی خود را در یابد و فارغ از بلند پروازی‌ها، و فارغ از تنیدن در دیگر نهادها و انجمن‌های وابسته به جناح‌های حکومتی - و آن‌هم به‌هر دلیل و به‌هر بهانه‌ای -، با هوشیاری و با درایت تمام سیاست مختص به منفعت دانشجویان و محرومان جامعه را انتخاب نماید و گام به‌گام فضای میدین دانشگاه‌ها را متغیر سازد. خلاصه این‌که رشد، گسترش و پی‌گیری افکار شانزده آذر سی و دو، منوط به تشخیص سره از ناسره از جانب دانشجویان آزاده و کمونیست می‌باشد؛ افکاری که در تاریخ جنبش‌های دمکراتیک جامعه‌مان همچنان از آن به نیکی یاد می‌شود و همواره و همواره، الهام‌بخش و نوید دهنده‌پیروزی‌ها و پیش‌روئی‌هاست.

۵ دسمبر ۲۰۱۳

۱۴ آذر [قوس] ۱۳۹۲